



## فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره چهل و چهارم - تابستان ۱۳۹۹ - از صفحه ۴۸ تا ۶۴

<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>

ISSN 2008-627X



## بررسی و تحلیل تمثیل با رویکرد کارکردهای آیینی و دینی در اسرارنامه عطار نیشابوری

تورج دشمن زیاری<sup>۱</sup>، سید محمود سید صادقی<sup>۲\*</sup>، سید احمد حسینی کازرونی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر: ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر: ایران.

۳- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر: ایران.

### چکیده

پژوهش حاضر به روش توصیفی و با استفاده از داده های کتابخانه ای انجام گرفته است، هدف از این پژوهش بررسی و تحلیل تمثیل با رویکرد کارکردهای آیینی و دینی در اسرارنامه عطار نیشابوری است. تمثیل یکی از آرایه های ادبی است که از گذشته مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده، تمثیل ممکن است در قالب یک بیت یا داستان و حکایتی ظاهر شود. بیان حکایت های تمثیلی یکی از شیوه های استدلال است که در آن با ارائه ی یک نمونه ی روشن و قابل قبول از موضوعی، حکمی کلی را در آن زمینه نتیجه گیری می نمایند. با توجه به این که تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی تمثیلات دینی و آیینی در اسرارنامه صورت نگرفته است، انجام این تحقیق ضرورت دارد، لذا محقق در این پژوهش در پی یافتن پاسخ این پرسش هاست که گونه های تمثیل های داستانی با رویکردهای آیینی و دینی به کار رفته در اسرارنامه کدامند؟ کدام گونه تمثیل داستانی در این اثر بیشترین تعداد بسامد را دارد؟ عطار نیشابوری از چه ابزاری در تمثیل استفاده می کند؟ کدام نوع از تمثیلات نقش ویژه ای در حکایات عطار نیشابوری داشته اند؟ نتایج تحقیق نشان داده که تمثیل های آیینی و دینی در این اثرگرانهای عطار باعث انتقال مفاهیم و ارزشهای والای انسانی که از دین و تعلیمات آسمانی سرچشمه گرفته است به مخاطبین و خوانندگان شود.

**واژگان کلیدی:** تمثیل، تشبیه، کارکرد دینی، اسرارنامه، عطار.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۸

پست الکترونیک: turaj1346d@gmail.com

پست الکترونیک نویسنده مسؤول: sadeghi.mahmood33@yahoo.com

پست الکترونیک: sahkazerooni@yahoo.com

## مقدمه

یکی از آرایه‌های ادبی که شاعران برای بیان تراوشات ذهنی خود و اشعارشان از آن بهره‌های زیادی برده‌اند، آرایه "تمثیل" می‌باشد. از آنجایی که ساختار اصلی تمثیل مبتنی بر داستان و روایت می‌باشد، این آرایه ادبی در کنار کارکردهای "تبیینی" و "جاذبه‌آفرینی" خود نقش‌ها و کارکردهای دینی و آیینی نیز در خود دارد. "تمثیل" یکی از شیوه‌های رایج در بین شاعران و نویسندگان سراسر جهان بوده و محدود به شاعران و نویسندگان مشرق زمین نمی‌شود. اما با توجه به زیبایی زبان شیرین فارسی، شاعران و نویسندگان از این آرایه برای تاثیرپذیری القانات و گفته‌های خویش استفاده می‌کنند. همانطوری که می‌دانیم شعر یک زبان احساسی است که از اعماق وجود یک نفر هنرمند بنام "شاعر" تراوش می‌کند و حامل پیامی برای مخاطب و یا مخاطبین خود می‌باشد. تاثیرگذاری این قریحه ذوقی آنقدر وسیع است که تقریباً با هیچ زبان و بیان دیگری قابل قیاس نیست و آنگاه که این قریحه و ذوق هنری با آرایه‌های ادبی به زیور هنری، آراسته می‌گردد، قدرت نفوذپذیری زیادی پیدا کرده و شاعر گاه با سرودن حتی یک بیت، باعث ایجاد حسی بسیار قوی و یا ایجاد روحیه‌ای حماسی و یا احساس تعهدی در شنونده و مخاطب می‌گردد.

فریدالدین ابوحامد محمد عطار نیشابوری مشهور به شیخ عطار نیشابوری یکی از عارفان، صوفیان و شاعران ایرانی سترگ و بلندنام ادبیات فارسی در پایان سده ششم هجری و آغاز سده هفتم هجری است. او در سال ۵۴۰ هجری برابر با ۱۱۴۶ میلادی در نیشابور زاده شد و در ۶۱۸ هجری به هنگام حمله مغول به قتل رسید. عطار در انتخاب واژگان مناسب و ترکیبات خاص، ابداع معانی تازه و مضمونهای جذاب، توصیف جزئیات و به‌کاربردن تشبیهات و استعارات نو و مطبوع بی‌نظیر است. وی در شمارکسانی است که توانست تا پایان قرن ششم، شعر تمثیلی را به نهایت تکامل خود برساند. اسرارنامه، از مثنوی‌های دلپذیر و کمابیش کوتاه عارف صاحب‌دل، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری است که همچون دیگر مثنوی‌های او، به تقبیح و تحقیر علایق دنیوی و تحسین امور معنوی و ترغیب آدمی به کوشش‌های جان‌فرسا در پیمودن راه وصول یا «فناء فی الله» می‌پردازد. «اسرارنامه» در ۳۳۰۵ بیت، ۲۲ مقاله و ۹۸ حکایت سروده شده است، شاعر، در ۱۵۰ بیت نخستین کتاب، به حمد خداوند می‌پردازد، سپس رسول گرامی اسلام (ص) را نعت می‌کند. «اسرارنامه»، به رغم اینکه نامه اسرار صوفیان به شمار می‌رود، مبین طریقه پرداختن به زندگانی معیشتی است، اما انگیزه شاعر در سرایش این اثر، پرداختن به سیاست مدن و تدبیر منزل یا تصویر یک مدینه فاضله نیست، بلکه در حکایات عرفانی منظومه خود، چیزهایی را برای تطبیق زندگی مرید نوپا با معیشت مسلمان پاک دل

غیرصوفی می گنجانند. چیرگی بر نفس نیز که ویژگی عارف مسلمان و مسلمان غیر عارف است، در این کتاب بیشتر دیده می شود؛ چنان که کسی در خواب حلاج را با سر بریده و جامی در کف می بیند و از او در مورد سر بریده و جام می پرسد و او توضیح می دهد که سلطان ازل به شرطی جام در دست کسی می گذارد که او در راه عشقش، سرداده باشد.

بشب حلاج را دیدند در خواب	بریده سر بکف، جام جلاب
بدو گفتند چونی سربریده	بگو تا چیست این جام گزیده
چنین گفت که او سلطان نکونام	بدست سربریده می دهد جام
کسی این جام معنی می کند نوش	که کردست او سرخود را فراموش

عطار (۱۹۴۰)، الهی نامه: ۱۴۶

#### بیان مساله

تمثیل در لغت به معنایی "تشبیه کردن" و "مثل آوردن" (نفیسی، ذیل واژه) همچنین به معنای نگاشتن پیکر و نمودن صورت چیزی (شاد، ذیل واژه)، عقوبت و مایه عبرت دیگران گردانیدن، آمده است. تمثیل در اصطلاح علم بیان، عبارت است از تشبیه یا استعاره ای نهفته که به گوینده این امکان را می دهد تا از رهگذر آن به سهولت مقصود خویش را بیان کند و به تبع آن، ماندگاری آن در ذهن خواننده افزون شود. در متون بلاغی جدید، تمثیل یک صنعت بدیعی مستقل است و از تشبیه و استعاره جداست. اسلوب معادله نیز صنعتی تمثیل گونه است که بیشتر جنبه تخیلی داشته و در سبک هندی بسیار رایج بوده است. در تمثیل و اسلوب معادله، سخنی که بیشتر جنبه عقلی دارد مطرح می شود و برای تأکید بر آن و تقویت بنیه سخن، مثالی همه برای فهم بیشتر آن می آورند.

در ادبیات فارسی تمثیل های زیبا و متنوع بشمار می آید که خصیصه و ویژگی اصلی آنها، هشدار، پند و اندرز و انذار و آگاهی بخشی آنهاست. تمثیل در ادبیات ما جایگاهی والا دارد و قسمت عمده ای از متون منظوم عرفانی ما تمثیلی است. حافظ در بسیاری از ابیات خویش از "تمثیل" بهره فراوان برده و مولانا نیز علاوه بر مثنوی خود، حتی در غزلیاتش نیز «داستانهای تمثیلی» ذکر نموده است. تمثیل علاوه بر شیوه بیان، یکی از روش های تحلیل آثار ادبی نیز بشمار می آید. تمثیل در بلاغت معاصر، معادل واژه «Allgory» انگلیسی است، که بیشتر در محدوده ادبیات داستانی و نمایشنامه نویسی کاربرد دارد. درحقیقت تمثیل، شاخه ای از تشبیه است و به همین خاطر است که عنوان "تشبیه تمثیلی" هم در کتابهای بلاغت بسیار دیده می شود. عطار نیشابوری در اسرارنامه، از تمثیل به عنوان

رکن مهم و اساسی و به طرز بسیار دقیق و شیوایی در قصه پردازی و داستان سرایی خود بهره جسته است، بنابراین محقق در این پژوهش در پی شناسایی و تحلیل تمثیلات با کارکرد آیینی و دینی در اسرار نامه عطار است.

### ضرورت تحقیق

تاکنون محققین و پژوهشگران زیادی درباره تمثیل در آثار شاعران بزرگ خصوصاً شاعران عرفانی و متصوفه ایرانی مقالات و تحقیق‌های زیادی به رشته تحریر در آورده اند اما در خصوص "کارکردهای آیینی و دینی تمثیل در اسرارنامه" مطلبی در قالب یک پژوهش علمی به رشته تحریر در نیامده است، لذا در این پژوهش، محقق سعی نموده گامی هر چند کوتاه در شناخت جنبه‌های دینی و آیینی این اثر گرانمایه بردارد.

### پرسشهای تحقیق

در این پژوهش محقق در پی پاسخگویی به این پرسشهاست که:

- ۱- گونه‌های تمثیل‌های داستانی با رویکردهای آیینی و دینی به کار رفته در اسرارنامه کدامند؟
- ۲- کدام گونه تمثیل داستانی در این اثر بیشترین تعداد بسامد را دارد؟
- ۳- عطار نیشابوری از چه ابزاری در تمثیل استفاده می‌کند؟
- ۴- کدام نوع از تمثیلات نقش ویژه‌ای در حکایات عطار نیشابوری داشته اند؟

به تناسب پرسشهای مطرح شده در پژوهش محقق، درصدد آن است تا فرضیات زیر را اثبات نماید:

۱. تمثیل و نقل‌پند و اندرز از زبان دیوانگان با کارکرد آیینی و دینی در اسرارنامه کاربرد داشته است.
۲. بیشترین بسامد تمثیلی (تکرار) مربوط به تقبیح دنیا و پرداختن به آخرت و قناعت، آموزه‌های دینی و اخلاقی است.
۳. عطار در ارائه تمثیلات داستانی از تلمیحات مذهبی بیشترین استفاده را می‌نماید.
۴. فابل<sup>۱</sup> یعنی حکایاتی که قهرمانان آنان حیوانات یا حشرات و جانوران هستند یا از زبان آنها

---

<sup>1</sup> fable

حکایت شده، در تمثیلات عطار نقش ویژه ای دارند.

### روش تحقیق

در این پژوهش از تحقیق توصیفی به منظور بررسی و تحلیل داده های پژوهش استفاده شده است، محقق در این پژوهش از داده های کتابخانه ای که استفاده از اشعار عطار نیشابوری در کتاب اسرارنامه است، بهره گرفته است، همچنین با استفاده از روش فیش برداری از اشعار به بررسی تمثیلات دینی و مذهبی در متن اسرارنامه پرداخته است.

### اهداف تحقیق

این پژوهش با هدف بررسی کارکردهای آیینی و دینی "تمثیل داستانی" و گونه های آن در "اسرارنامه عطار نیشابوری انجام شده است. سایر اهداف این پژوهش شامل موارد زیر می باشد:

- ۱- بررسی و شناخت گونه های تمثیل های داستانی با رویکردهای آیینی و دینی در اسرارنامه
- ۲- بررسی میزان بسامد گونه های تمثیل داستانی در اسرارنامه
- ۳- بررسی و شناخت ابزارهای مورد استفاده عطار نیشابوری در تمثیلات اسرارنامه

### پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهشهای متعددی در زمینه تمثیل صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می شود: صنعتی نیا (۱۳۶۹)، در کتاب خود با عنوان «مآخذ قصص و تمثیلات مثنویهای عطار نیشابوری» به پیشینه حکایتها و تمثیلهای به کار رفته در مثنوی های شاعر از جمله اسرارنامه اشاره کرده، بررسی و تحلیل کارکردهای اخلاقی تمثیلی در اسرارنامه عطار نیشابوری است. تجلیل و احمدی (۱۳۸۲) در مقاله ای با عنوان «مفاهیم اخلاقی در چهار منظومه عطار (اسرارنامه، الهی نامه، منطق الطیر و مصیبت نامه)» به عمده ترین آرای اندرزی و تعلیمی ذکر شده در مثنوی های مذکور پرداخته اند. در تحقیقی دیگر، بهبانی (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «تمثیل، آیین اجتماعی (سیری در تمثیل های ادبیات عرفانی در آثار عطار و مولانا)» با رویکردی مقایسه ای، تمثیل های عرفانی و ادبی آثار عطار و مولوی را بررسی کرده است. از دید او، یکی از دستاوردهای مهم بررسی تمثیل در آثار این دو شاعر، شناخت دقیق تر سیمای جامعه می باشد. همچنین، عبدی مکوندی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «آتش در

شعر عطار با محوریت تمثیل» به بررسی جنبه‌محتوایی، اخلاقی و رمزی پرداخته اند. حسین قاسمی فرد و سیدحسین سیدی (۱۳۹۷) در مقاله ای تحت عنوان "بررسی و تحلیل کارکردهای اخلاقی و رمزی اسرارنامه" پرداخته اند. در این پژوهشها، به نقش اثرگذار تمثیل در تبیین و انتقال مسائل اخلاقی پرداخته اند که بنظرمی رسد نویسنده در مقاله و تحقیق پیش رو، جنبه ها و کارکردهای آیینی و دینی در اسرارنامه را بصورت جدید و روشنتر و برای اولین بار بیان می کند.

### بحث و بررسی

در بررسی انواع تمثیلات در اسرارنامه عطار نیشابوری بانواع کارکردهای تمثیل مواجه هستیم که به شرح ذیل تعدادی از این تمثیلات ارائه می گردند:

#### ۱- کارکردهای آیینی و دینی تمثیل

خداوند حکیم هنگامیکه از روح ازلی خویش در کالبد خاکی انسان دمیداز او (انسان) پیمان گرفت که آیامن خدای تو هستم یانه؟ انسان پذیرفت و گفت: آری. از این پیمان به عنوان پیمان "الست" نام برده شده است وميثاق نامه انسان با خداست. در مسیر زندگی برخی از این انسان های کم خردیامغرورو جاهل، از پیمان الهی شانه خالی، وبا گرفتن شریک برای خداوند به شرک گرائیدند و موجبات خسران و شقاوت خویش و پیروانشان رافراهم ساختند و از سویی دیگر، برخی نیز به عهد و پیمانی که با خدای خویش بسته بودند وفادار ماندند و در این مسیر جان ناقابل خویش رافدای حضرت دوست نمودند و در حقیقت رستگار شدند. عطار این شاعر شورید حال و عارف به حق بابیانی شیوادرحکایتی شیرین به سرنوشت انسانهای وفادار و بی وفا اشاره می نماید:

چنین گفت آن عزیزی با دیانت	که تاحق عرضه دادست این امانت
زمین و آسمان زان در رمیدست	که بار عهده آن سخت دیدست
تو تنها آمدی تا آن کشی تو	از آن ترسم که خط در جان کشی تو
اگر اینست امانت ای همه ننگ	بسی این به کشد از تو خری لنگ

عطار (۱۳۶۱)، اسرارنامه: ۴۶

این ابیات از اسرار نامه عطار، به آیه ۷۲ از سوره احزاب اشاره دارند و بیانگر عظمت و سعادت و برتری انسانهای متعهد و وفادار به پیمان الهی، بر سایر موجودات جهان، و حقارت انسانهایی که با سرباز زدن از زیر بار این امانت الهی مایه شقاوت و بدبختی خود را فراهم ساختند. در این ابیات،

زمین و آسمان تمثیل از انسانهایی است که از قبول امانت الهی سرباز زده اند. همچنین انسان در این ابیات تمثیل و نماد وفاداری معرفی شده است. در اینجا عزیزبادیانت تمثیل از مردان حق یا همان مرشد داناست، امانت تمثیل از پیمان و عهدالست می باشد و زمین و آسمان، تمثیل از اعراض آسمانها و زمین از کشیدن بار امانت الهی است. توتنها مراد و تمثیل از انسان است که آن امانت را پذیرفت و خرنیز تمثیل از انسان تنبل و کاهل است.

۲- رهایی از خود خود (عدم خودپرستی)

آدمی در مسیر تکاملی خویش بسوی خدا، موانع بیشماری را در پیش روی دارد، یکی از این موانع، نفس اماره هست که خداوند حکیم در قرآن کریم و در آیه ۵۳ سوره یوسف از آن به «نفس الاماره بالسوء» یاد می کند. این نفس سرکش و طغیانگر که امرکننده به زشتی ها و پلیدی هاست، همواره در درون انسان، میل به نافرمانی دارد، لذا انسان همواره با این نفس «دشمن درونی» در ستیز و نبرد است. انسان با زیرپانهادن این نفس سرکش و در حقیقت «منیت» و «خودی خود» و غلبه بر آن به مقام رضای الهی و نفس مطمئنه می رسد. خداوند در ادامه در همان سوره می فرماید: "یا ایتهالنفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی فی الجنة". انسان تا زمانی که در دنیای نجاست و گند و زندان روح گرفتار است راهی به عالم بالا و ملکوت نخواهد داشت. در حقیقت بوی تعفن و گند دنیای مادی مانع از استشمام بوی عطر آگین و دلربای عالم اسرار می گردد باید این جسم خاکی را شکست و روح را از قفس و زندان تن و دنیای مادی رها ساخت. آنوقت خواهی دید که عالم ملکوت و معنوی چه بوی دلربایی دارد.

انسانی که یک عمر در دنیای متعفن مادیات گرفتار شده و روحش را با نجاسات همدم ساخته، واضح است که با استشمام بوی خوش عطر حالش بهتر نخواهد شد. درست مثل کناسی که با استشمام بوی عطر از دکان عطاری حالش به هم می خورد و مدهوش می شود و فقط رسیدن بوی نجاساتی که عمری با آن همدم بوده دوباره به هوش بیاید. باید از نجاسات فاصله گرفت و روح را با بوی خوش عطر دل انگیز روحانی و معنوی معطر ساخت و در اینجا عارف وارسته عطار نیشابوری نتیجه می گیرد که هر دلی را طاعت استشمام بوی کوی یار نیست و شاعر خود را غلام همت و دل بابصیرت سالکی می داند که او (سالک) از اسرار درون آگاه هست و به وسوسه های نفس سرکش نه می گوید. عطار این شاعر نامدار عرفانی مادر اسرارنامه خود طی تمثیلی زیبا، با بیانی شیوا در ضمن حکایتی تاثیرگذار به مبارزه با "خودی خود" اشاره دارد:

یکی کناس بیرون جست از کار  
چو بوی مشک از دکان برون شد  
دماغ بوی خوش او را کجا بود  
برون آمد ز دکان مرد عطار  
چو رویش از کلاب و عودتر شد  
یکی کناس دیگر چون بدیدش  
مشامش از نجاست چون خبر یافت  
کسی با کند بدعت ارمیده  
اگر روحی رسد سوی دماغش  
غلام ان دلم کزدل خیر یافت

مکر ره داشت بر دکان عطار  
همی کناس انجا سرنکون شد  
تو کفتی کشت جان از وی جدا زود  
کلاب و عود پیش آورد بسیار  
بسی کناس از ان بیهوش تر شد  
نجاست پیش بینی اوریدش  
دو چشمش باز شد جانی دگر یافت  
نسیم مشک سنت ناشنیده  
درون دل فرو میرد چراغش  
دمی از نفس شوم خویش سرتافت

عطار (۱۳۶۱)، اسرارنامه: ۴۹

در داستان کناس، عود و گلاب تمثیل از ملکوت، عالم تعفن، تمثیل از دنیای فانی و جهان گذران است. همچنین عالم دنیا تمثیل از زندان روح، بوی خوش تمثیل از انوار الهی است که موجب شمع روح می شود. عارف تمثیل از مرد خدا و راهنماست و دنیای متعفن و نجاست تمثیلی از نفس الاماره بالسوء است.

### ۳- ثبات قدم

یکی از هنرهای شاعران و نویسندگان بویژه شاعران عرفانی و خاصه عطار، استفاده از حکایت‌هایی به زبان حیوانات و جانوران هست که به زبان لاتین به این نوع تمثیل "fable" یا همان "فابل" می باشد که شخصیت‌ها و قهرمانان این نوع حکایات حیوانات و جانورانند.

یکی پشه شکایت کرد از باد  
که ناگه باد تندم در زمانی  
به عدلت باز خر این نیم جان را  
سلیمان پشه را نزدیک بنشاند  
چو آمد باد از دوری به تعجیل  
سلیمان گفت نیست از باد بیداد  
چو بادی می رسد از می گریزد

به نزدیک سلیمان شد به فریاد  
بیندازد جهانی تا جهانی  
وگرنه بر تو بفروشم جهان را  
پس انکه باد را نزدیک خواند  
گریزان شد ازو پشه به صد میل  
ولیکن پشه می نتواند استاد  
چگونه پشه با صرصر ستیزد



اگر امروز دادی نیم خرما برستی هم ز دوزخ هم ز گرما  
وگر یکبار اوردی شهادت حالات شد بهشت با سعادت  
وگر چیزی ورای این دوجویی شبت خوش باد بیهوده چو گویی  
عطار (۱۳۶۱)، اسرارنامه: ۵۷

عطار در این حکایت و تمثیل «حضرت سلیمان و باد» را به عنوان سمبل عشق حقیقی به خداوند و معشوق و در طرف دیگر «پشه» را به عنوان مدعی دروغین معرفی می کند و می گوید که هرکس را یارای استقامت و ثبات در هدف، در راه مقصود نیست. این نکته عرفانی می رساند که هر کسی نمی تواند در درگاه خداوند متعال توان مقاومت و درک آن را داشته باشد.

#### ۴- غفلت

غفلت یکی از آسیب هایی است که انسان در مسیر زندگی خویش گاهی گرفتار آن می شود، یعنی حوادث و عللی موجب می شود که انسان مورد غفلت قرار گیرد و کارهای ناشایستی از وی سرزند. انسان که موجودی الهی و دارای فطرت الهی است در سرشت خویش کاهلی و نقصانی ندارد اما در پرتو حوادث و اتفاقات روزمره زندگی، برخی اوقات دچار کج اندیشی ها و یا غفلت هایی ناخواسته می شود که بعد از انجام آن سریعاً نفس لوامه و سرزنش گربه یاری انسان شتافته و او (انسان) فوراً عذر تقصیر به درگاه الهی آورده و باتوبه و اصلاح کارناشایست در صدد جبران آن برمی آید اما برخی انسانها هم هستند که علیرغم خطایی که انجام داده اند هیچ وقت در صدد جبران و اصلاح گذشته ناصواب خویش بر نمی آیند این قبیل انسانها تسلیم نفس اماره شده و پایانی جز خسران الهی نخواهند داشت. عطار در ضمن بیان حکایتی در این مورد می فرماید:

بدان خر بنده گفت ان پیر دانا که کارت چیست ای مرد توانا  
چنین گفتا که من خر بنده کارم بجز خربندگی کاری ندارم  
جوابی دادش ان هشیار موزون که یارب خر بمیرادت هم اکنون  
که چون خر مرد تو دل زنده کردی تو خر بنده خدا را بنده کردی  
ازین کافر که ما را در نهادست مسلمان در جهان کمتر فتادست  
مسلمان هست بسیاری به گفتار مسلمانی همی باید به کردار

عطار (۱۳۶۱)، اسرارنامه: ۲۸

از آنجا که خر فطرتاً در شهوترانی برخلاف بیشتر حیوانات ید طولایی دارد، در تشبیه نفس به او، این مایه تشابه مقبول به نظر می‌رسد. در عین حال، خر با تمام خصائص منفی خود، رام شدنی نیز هست؛ چنان که نفس نیز قابل تسلط است. به هر حال، نمایانگر حماقت این حیوان به عنوان رمز غفلت در ادب و عرفان بوده است. شاعر با آوردن این تمثیل، کشتن و زیر پانهادن نفس سرکش و اماره به بدی، مایه زنده شدن روح و حیات جاودان خواهد شد در این ابیات، خر تمثیل از انسان غافل است که در عین حال که می‌تواند خود را به خصایص نیکو مزین نماید، در بی خبری و غفلت به سر می‌برد. همچنین رام شدن، تمثیل از آراسته شدن به خصایص نیکو است. مسلمان به گفتار تمثیل از انسان غافل و مسلمان به کردار، تمثیل از مسلمان و بنده حقیقی است.

#### ۵- قناعت و پرهیز از آز و طمع

اقتصادمیان روی در تمام امور از جمله امور معیشتی، امری پسندیده و مورد سفارش دین مبین اسلام و هردین و آیین الهی است. قانع بودن به آنچه که در زندگی نصیب انسان شده نه به معنی دست از کار و تلاش مضاعف کشیدن برای داشتن یک زندگی آبرومندانه، بلکه به این معنی است که انسان نباید حرص به مال دنیا باشد. در حقیقت دنیا و تلاش در آن را برای خود به مثابه مزرعه ای برای توشه انداختن اخروی محسوب نماید. حرص و ورزیدن و طمع زیاد به زراعت و جمع آوری مال باعث وابستگی شدید آدمی به مادیات و در نتیجه روی گردانیدن از دین و مکارم اخلاقی می‌شود. همچنین مال زیاد باعث آشفتگی فکر و خیال نیز می‌شود از آنکه نکننده ناگهان دزدی بیاید و مالش را ببرد. اتفاق از مال در زمان حیات آدمی بسیار پسندیده و دارای اجر و ثواب دنیوی و اخروی است اما اگر این مال در بعد از حیات فردی و پس از مرگ وی توسط کسان وی یا حاکم فردی مورد اعتماد دیگری در راه خدابه مستمندان و نیازمندان داده شود ثواب بسیار اندک و ناچیز در ترازوی اعمالش خواهد داشت. عطار با آوردن

حکایتی زیبا در این باره می‌فرماید:

بکوش خود شنودستم ز هر کس که موری را بسالی دانه ای بس  
 ز حرص خود کند در خاک روزن که می‌کنم کشد که جو که ارزن  
 اگر بادی براید از زمانه نه او ماند نه ان روزن نه دانه  
 چو او را دانه ای سال تمامست فزون از دانه ای جستن حرام است  
 مثال مردم آمد حال ان مور که نه تن دارد و نه عقل و نه زور

عطار (۱۳۶۱)، اسرارنامه: ۷۱

این ابیات عطار به قانع بودن و قناعت ورزیدن در معیشت و زندگانی و پرهیز از طمع ورزی و جمع آوری مال فراوان اشاره دارد، که در این صورت آز و طمع بر جمع آوری مال، هر چه افزونتر، خطراتش نیز افزونتر و دل پریش ترداشتن است. در این ابیات مور، تمثیل از انسان طمع کار و گندم، جو و ارزن نیز تمثیل از مال و ثروت است که انسانها در پی آن هستند، همچنین بس بودن دانه ای برای یکسال مورچه، تمثیل از قانع بودن است.

حکایتی دیگر اندر باب طمع و حرص زیاد:

دریغا	دیده	ره	بین	نداری	بغفلت	عمر شیرین	می	کذاری
بسر	بردی	بغفلت	روزکاری	مکر	در	کور	خواهی	کرد
چو	مویت	شیر	شد	ای	پیر	خیره	مکن	الوده
مکن	روباه	بازی	و	بیارام	که	پیه	گرگ	در
								مالیدت
								ایام

عطار (۱۳۶۱)، اسرارنامه: ۹۵

که شاعر در اینجا با آوردن داستانی از دوستی و شکار روباه و گرگ و پلنگ و طمع ورزی گرگ موقع تقسیم شکار که با فتنه گری روباه موجبات خشم پلنگ بر گرگ شد و در نهایت حمله پلنگ به گرگ و انداختنش در گودالی پر از لجن در حالیکه دم گرگ بالا بود، روباه که این وضع را دید موهایش از ترس راست ایستاد، پلنگ به روباه گفت: «بردار گوشت و پیه و دنبه این گوسفند را تقسیم کن» روباه با احتیاط تمام پیه و دنبه‌ای که گرگ برای خودش کنار گذاشته بود را به علاوه گوشت‌های گوسفند به پلنگ داد و خودش پوست و روده را خورد. پلنگ به روباه گفت: «چرا بهترین را به من دادی و پست‌ترین را خودت خوردی؟» روباه گفت: «چشم روباه که به دم گرگ بیفتد حساب پیه و دنبه خودش را می‌کند!» شاعر با آوردن این تمثیل (فابل) اشاره به قناعت و اعتدال در زندگی دارد و با بیان این که طمع ورزیدن برای برداشتن پیه و دنبه گوسفند، باعث مرگ گرگ شد، انسان را به قناعت کردن و مراعات حال دیگران دعوت می‌کند.

## ۶- فنا

بی تردید یکی از اساسی‌ترین مسایل عرفان اسلامی و عرفانهای اقوام و ادیان مختلف موضوع «فنا» است. عارف در اثر سیر و سلوک و مجاهده از مرز حدود و قیود شخصی گذشته و با ترک خود، به حقیقت مطلق واصل شده و سرانجام در آن فانی می‌شود. فنا یعنی رفع تعلق بنده به خود است که

باعث می شود میان وی و حضرت حق حجابی باقی نماند. عطاربایان تمثیلی زیباچنین می فرماید:

که او دنیا زیان کرد، آخرت هم	که بنگر کین سر مردیست پرغم
بزد یک نعره و آشفته درماند	چو شبلی آن خط آشفته برخواند
سر مردیست از مردان درگاه	بیاران گفت این سر درچنین راه
نگردد در حریم وصل محرم	که هر کاو در نبرد هر دو عالم

عطار (۱۳۶۱)، اسرارنامه: ۷۱

در این حکایت عطار به فداکاری و پاکبازی سالک نظر دارد. مرد پر غم، تمثیل از کسی است که در دنیا و آخرت دچار زیانکاری شده است، باختن هر دو عالم تمثیل از به مقام فنا و وصل پروردگار رسیدن است.

#### ۷- چشم بصیرت

فلاسفه همه چیز و هر پدیده ای را معلول پدیده ای دیگر می پندارند و هرچه را که عقل ظاهری با آن موافق بود، مقبول، و هرآنچه را که به ظاهر عقل ظاهری رد نماید آن را مردود می شمارند. در حقیقت فیلسوف به دنبال علت است تا از آن طریق پی به وجود معلول ببرد و عقل را ملاک سنجش قرار می دهد. در صورتی که ورای این عقل ظاهری، رسولی باطنی و دل و جان نیز تاثیرگذار خواهد بود. اگر دل و جان را به انوار حق منورگردانی، به اسرار پدیده ها، بلکه به اسرارعالم و رموز آنها پی خواهی برد و راه پیدا می کند. عطار، فلسفه مشایی و عقل استدلالی را مورد نکوهش قرار می دهد.

سئوالی کرد زین شیوه یکی خام	از ان سلطان بر حق پیر بسطام
که از بهر چرا عالم چنین است	که ان یک آسمان این یک زمین است
چو ان پیوسته در جنبش فتادست	چرا این ساکن اینجا ایستادست
چرا این هفت کردد بر هم اینجا	چرا جایست خاص این عالم اینجا
ورای عقل ما را بارکاهیست	ولیکن فلسفی یک چشم راهیست
همی هر کو چرا گفت او خطا گفت	بگو تا خود چرا باید چرا گفت
چرا و چون نبات و خاک و همست	کسی دریابد این کو پاک فهمست
عزیزا سر جان و تن شنیدی	ز مغز هر سخن روغن کشیدی
تن و جان را منور کن باسرار	و کز نه جان و تن کردد گرفتار

عطار (۱۳۶۱)، اسرارنامه: ۸۰

عطار از زبان بایزید از فیلسوفان انتقاد می کند که چرا به دنبال چون و چرا می هستند و این فیلسوف کسی است «که یک چشم دارد و فقط با آن چشم علت را در آن سوی اشیا می بیند و همه چیز را به علل مادی آنها نسبت می دهد و چشم دیگری ندارد که در آن سوی تمام علت ها ذات حق را ببیند که زمام امور نیز در دست اوست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۷۹۵). انسان فلسفی و چراغی، تمثیل از انسان فاقد بصیرت است. پی بردن به اسرار، تمثیل از داشتن چشم بصیرت و آشنایی با ذات حق است. انسان خام تمثیل از انسان بی بصیرت است و همچنین عقل نیز تمثیل از فرد بی بصیرت دارد. انسان پاک فهم نیز تمثیل از فرد با بصیرت دارد.

#### ۸- اندر فواید خاموشی

اگر انسان در خلقت خویش به دقت بنگرد از همین شکل ظاهری اعضای خویش نیز خواهد فهمید که خداوند در شکل ظاهری وی، دو دیده قرار داده تا با دقت پدیده ها و موجودات را ببیند، دو گوش در دو طرف سرانسان و در فاصله کمی با چشمها قرار داده، تا خوب بشنود، بینی نیز دارای دو سوراخ است تا علاوه بر شنیدن و دیدن خوب ببوید، اما فقط یک دهان در سر انسان خلق کرده، تا دو تا ببیند و دو تا بشنود و یکی بگوید. حتما خداوند متعال که احسن الخالقین است حکمتی در این امر قرار داده است که خیلی از ما از این حکمت بی خبریم و درست نقطه مقابل خلقت را عمل می کنیم، بجای دقت بیشتر و دیدن و شنیدن، فقط سخن می گوئیم و حرف می زنیم. عطار این شاعر صوفی و سالک طریقت حق، با بیانی زیبا، ضمن تمثیلی، راز همنشینی باز، با شاهان و سلاطین و گوشه عزلت و در زندان ماندن بلبل خوش الحان را چنین بیان می دارد:

بچین شد پیش پیری مرد هوشیار که ما را از حقیقت کن خبردار  
 جوابش داد ان پیر طریقت که ده جزوست در معنی حقیقت  
 بگویم با تو گر نیکو نپوشی یکی کم گفتنت و نه خاموشی  
 ز خاموشیست بر دست شهان باز که بلبل در قفس ماند ز او از  
 اگر در تن زدن جانت کند خوی شود هر ذره با تو سخن گوی  
 چو چشمه تا به کی در جوش باشی که دریا گردی ار خاموش باشی

عطار (۱۳۶۱)، اسرارنامه: ۳۹

در این ابیات، بلبل تمثیل از انسان پرگو و چشمه تمثیل از انسان پر جنب و خروش است که این ویژگی باعث ایجاد مشکل برای آنها شده است. باز نیز تمثیل از خاموشی است که به دلیل همین

خصیصه نیکو در کنار شاهان منزل یافته است و دریا به دلیل خاموشی بزرگ و ارزشمند شده است.

#### ۹- انفاق در زمان حیات

انفاق یکی از صفات پسندیده هر انسانی خصوصاً مومنین است. داستان حاتم طایی و شرح سخاوت های ایشان از زمان جاهلیت پیش از اسلام تاکنون، ورد زبانهاست. اسلام نه تنها این شیوه انسانی را نفی و تقبیح ننموده بلکه با ارج نهادن به این صفت والای انسانی آن را به مرحله ای بس والا رسانده است. برخی ها خداوند مال فراوان به آنها بخشیده است ولی در انفاق و دستگیری از درماندگان و حتی زن و فرزند و کسان و نزدیکان خویش، بخل می ورزند. برخی نیز وصیت می کنند که بعد از مرگ خویش، حصه و سهمی از این ثروت را در اختیار نیازمندان قرار دهند. چنین بخششی از مال در بعد از حیات آدمی گرچه مشکلی از مشکلات انسان نیازمندی را برطرف می کند اما از نظر خداوند و دین اسلام، ثواب ناچیز و اندک برای وصیت کننده دارد. عطار در مقال ۸۹ خود در اسرارنامه با آوردن تمثیلی زیبا می فرماید:

وصیت کرد مردی مال بسیار	که چون مردم برند این پیش مختار
که تا این را بدرویشان رساند	که مهتر مستحق را به بداند
چو بردند آن همه زر پیش مهتر	بقدر نیم جو برداشت زان زر
چنین گفت او که گر در زندگانی	بدادی این قدر آن مرد فانی
بدست خود بسی بودیش بهتر	که بدهد این همه زر خاصه مهتر

عطار (۱۳۶۱)، اسرارنامه: ۷۲

مرد فانی تمثیل از انسان است که دچار زوال می گردد و مرگ او را فرا می گیرد. مهتر تمثیل از انسان بزرگ و ارزشمند و نیم جو نیز، تمثیل از مال بسیار ناچیز دارد

#### نتیجه گیری

ذهن سرشار و بلوغ فکری و ادبی - عرفانی شیخ فریدالدین عطارنیشابوری باعث شده تا با الهام گیری از قریحه ادبی و سلوک عرفانی خویش، تصاویر و تمثیل های تاثیرگذار و بکری در ادبیات فارسی از خود برجای بگذارد که این هم حاصل تجربیات عرفانی و تزکیه روحی ایشان می باشد. عطار در این مثنوی (اسرارنامه) با آوردن تمثیل های زیبا و جذاب از زبان انسان های وارسته، دیوانگان و یا

حیوانات (فابل) باعث شده تا این نوع ادبی، موجب انتقال سریع تر و نفوذپذیرتر پیام تعلیمی و آیینی و دینی برشونده شود. بنابراین نتیجه می توان گرفت که تمثیل های آیینی و دینی در این اثرگرانبهای عطار باعث انتقال مفاهیم و ارزشهای والای انسانی که از دین و تعلیمات آسمانی سرچشمه گرفته است به مخاطبین وخوانندگان شود. عطار در اسرار نامه تمثیلات بسیاری را به کار بسته است که دارای مضامین اخلاقی و انسانی است که می توان به بیان فواید انفاق کردن مال و ثروت برای مستمندان در زمان حیات اشاره کرد، همچنین داشتن خصیصه نیکوی خاموشی و پرهیز از زیاده گویی را به عنوان ارزشی برای سالک حق بر می شمارد. در برخی تمثیلات به داشتن چشم بصیرت رهرو حقیقی اشاره دارد که تنها با چشم عقل به پدیده ها ننگرد. همچنین برای اینکه سالک واقعی به لقاالله دست یابد، عطار متذکر می گردد که با رهایی از خود خود می تواند به مقام فنا نائل گردد. سایر ارزشهای والای انسانی که عطار در تمثیلات خود بدان اشاره نموده است می توان به قناعت و پرهیز از آز و طمع، غافل نبودن از حق و ثبات قدم داشتن در راه معشوق را نام برد.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم، سوره یوسف، آیه ۵۳
۱. بهبهانی، مرضیه (۱۳۸۷)، "تمثیل، آیین اجتماعی (سیری در تمثیل های ادبیات عرفانی در آثار عطار و مولانا)", فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۴۳-۷۶.
  ۲. تجلیل، جلیل و احمدی، شهرام (۱۳۸۲). "مفاهیم اخلاقی در چهار منظومه عطار (اسرارنامه، الهینامه، منطق الطیر و مصیبت نامه)", مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۳. شماره های ۱۶۷ و ۱۶۶، صص ۴-۳۰.
  ۳. تفتازانی، سعدالدین، (۲۰۰۴)، المطول، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
  ۴. تقوی، محمد (۱۳۷۶)، حکایت های حیوانات در ادب فارسی، تهران: روزنه.
  ۵. جرجانی، عبدالقادر (۱۳۷۴)، اسرارالبلاغه، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران.
  ۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۰)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: نیل.
  ۷. شمیسا، سیروس (۱۳۷۴)، بیان ومعانی، تهران: فردوس.
  ۸. صنعتی نیا، فاطمه (۱۳۶۹)، مأخذ قصص و تمثیلات عطار نیشابوری، تهران: زوار.
  ۹. عبدی مکنون، اسماعیل (۱۳۹۴)، "آتش در شعر عطار با محوریت تمثیل"، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر، شماره ۲۶، صص ۱۳-۳۰.
  ۱۰. عطار، فریدالدین (۱۳۶۱)، اسرارنامه، به کوشش سیدصادق گوهرین، چ دوم، تهران: زوار.

۱۱. ----- (۱۹۴۰ م)، الهی نامه، تصحیح هلموت ریتز، چاپ استانبول.
۱۲. گلدمن، لوسین (۱۳۸۲)، نقدتکوینی، ترجمه محمدغیاثی، تهران: آگاه.
۱۳. لوفلر، دلاشو (۱۳۶۴)، زبان رمزی افسانه‌ها، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس.







**Journal of Research Allegory in  
Persian Language and Literature**

Islamic Azad University- Bushehr Branch

No. 44 / Summer 2020

<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>

ISSN 2008-627X



**Investigating and analyzing allegory with the approach of  
ritual and religious functions in Attar Neyshabouri's  
Asrarname**

**Turaj Dushman Zeyari<sup>1</sup>, Seyed Mahmood Seyed Sadeghi<sup>2\*</sup>, Seyed  
Ahmad Hosseini Kazerooni<sup>3</sup>**

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr: Iran.

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr: Iran.

3. Professor of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr: Iran.

**Abstract:**

The present study was performed using descriptive method and using library data. The aim of this study was to investigate and analyze the allegory with the approach of ritual and religious functions in Attar Neyshabouri's Asrarname. Analogy is one of the literary arrays that have been considered by the ancient existed, the attention of poets and writers, the analogy may appear in the form of a bit or a story and the authors. The expression of emblematic vere is one of the methods of reasoning in which a clear and acceptable sample of the subject judgment the exact results in that field. Due to the fact that no research has been done in the field of religious and ritual allegories in Asrarname, it is necessary to conduct this research, so the researcher in this research seeks to find the answer to the questions that types of story allegories with ritual and religious approaches are used. Which are the secrets? Which type of story allegory has the highest number of frequencies in this work? What tools does Attar Neyshabouri use in allegory? Which type of allegory has played a special role in Attar Neyshabouri's anecdotes? The results of the research have shown that ritual and religious allegories in these works of Attar's work cause the transmission of high human concepts and values that originated from religion and heavenly teachings to the audience and readers.

**Key words:** Allegory, metaphor, religious function, Asrarnameh, Attar.

**Corresponding Author:** [sadeghi.mahmood33@yahoo.com](mailto:sadeghi.mahmood33@yahoo.com)